

*
دکتر سیداحمد رضا خضری

نقش فساداداری و رقابت خاندانی در تجزیه خلافت عباسی

فساد و نابسامانی اداری :

یکی از عوامل مهم پیروزی و اقتدار عباسیان ، وجود دولت مردان و کارگزاران با کفایت و شایسته‌ای نظیر ابوسلمه ، ابومسلم ، خاندان برمک ، خاندان سهل و..... بود. اما از اواسط قرن سوم هجری که اقتدار خلفای عباسی به دنبال استیلاي ترکان دچار زوال گردید، مناصب مهم دولتی را گروهی نالایق و ناشایست اشغال کردند. بدین سان بیشتر وزراء و کارگزاران دولت بجای آنکه حامی و پشتیبان خلافت باشند موجب خطر و مایه تهدید آن شدند. زیرا پس از آنکه خلفای بی کفایت عباسی برای تامین مخارج فراوان مجالس عیش و بزم خویش، اموال و دارائی عمال و وزراء را مصادره کردند، مناصب دولتی در معرض خرید و فروش و مزایده قرار گرفت^۱ و کسانی که متولی این پستهای

* عضو هیات علمی دانشگاه تهران .

۱- هندوشاه نخجوانی، تجارب السلف ، تصحیح عباس اقبال ، تهران ، ۱۳۱۳، این مقله وقتی که برای سومین بار وزارت راه دست آورد، پانصد هزار دینار به عنوان رشوه به خلیفه پرداخت ، (ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا ، الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة ، مصر ، ۱۳۴۰، ص ۲۸۰.

حساس می شدند جز به اندوختن ثروت و چپاول مردم نمی اندیشیدند . به استناد برخی روایات ، بسیاری از کارگزاران بنی عباس - از اواسط قرن سوم هجری - رشوه‌ای از پیش به خلیفه می پرداختند و منصب وزارت یا دیگر مذاصب دولتی را از وی می خریدند. (۱) طبیعی است چنین وزراء و کارگزارانی هیچ کس را به کاری نمی گماشتند، جز آنکه رشوه‌ای از وی گرفته باشند. همچنانکه آن افراد نیز آنچه می پرداختند از طریق مالیاتهای مضاعف و سنگین از مردم ستمدیده بازپس می گرفتند. برای مثال به ستمگریهای علی بن عیسی بن ماهان اشاره می کنیم که در تمام مدت حکومت دیرپای خویش با زورگویی و ستمگری در خراسان حکمرانی کرد تا آنجا که بهره کشیهای ظالمانه اش ، اعتراض همگان را برانگیخت . با اینهمه هارون الرشید همچنان از او حمایت می کرد. زیرا علی بن عیسی علاوه بر آنکه خزانه ، خود را از این چپاولها می انباشت ، مبالغ فراوانی به عنوان هدیه و تحفه برای خلیفه و دیگر دولتمردان با نفوذ دربار ارسال می کرد و بدین ترتیب جواز ستمگری خود را دریافت می نمود. چنانکه در سال ۱۸۹ ه که هارون الرشید برای رسیدگی به شکایات و دادخواهی مردم خراسان عازم آن دیار بود ، علی بن عیسی با ارسال هدایای فراوان - شامل پول ، تحفه ، مشک ، جواهر ، ظروف طلا ، سلاح ، اسب و ... - برای خلیفه و پسرانش در شهر ری ، نظر وی را جلب کرد و خلیفه که از این هدایا راضی شده بود، علی را در سمت خویش ابقا کرد. (۲) سرانجام بسال ۱۹۱ هارون علی

۱ - همان ، ص ۲۰۵ .

۲ - ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ، جلد ششم ، بیروت ، دار صادر ، بیروت ، ۱۳۸۵ ه / ۱۹۶۵ م ، ص ۱۹۱ ، قس : ابوالفضل بیهقی ، تصحیح دکتر قاسم غنی ، دکتر فیاض ، چاپ چهارم ، تهران ، ۱۳۷۰ ص ۴۲۱ - ۴۱۴ .

بن عیسی را به خاطر ناتوانیش در برابر شورشیانی چون رافع بن لیث (۱) و نه به خاطر بیدادگریش معزول کرد. (۲) و مطابق معمول وی را گرفتار بند و زندان ساخت و اموالش را مصادره و هشتاد میلیون درهم از وی - دریافت کردند و با هزار و پانصد شتر به خزانه ، هارون انتقال دادند.^(۳) نمونه دیگر علی بن فرات (۴) است که سه بار در زمان خلافت مقتدر به وزارت دست یافت . (۵) و جمعا ۶ سال وزارت کرد. و پس از معزول شدن میلیونها دینار زر نقد داشت که بیشتر آنرا از مصادره اموال دیگران و از محل فروش پستهای دولتی به دست آورده بود. (۶) مصادره اموال مسلمین که به انواع حيله و ستمکاری صورت میگرفت ، در زمان معتمد (۲۷۹ - ۲۵۶ هـ) با تاسیس دیوان المواریت که میدان بازی برای مردم آزاری و تجاوز به اموال آنان بود، به اوج رسید چنانکه ابن المعتز این موضوع را در سروده‌ای بیان کرده است (۷)

۱- در باره شورش رافع بن لیث نک : ابن اثیر ، پیشین ، ج ۶ ، ص ۱۹۵ و ۲۰۳ .

۲- همان ، ج ۶ ، ص ۱۹۵ و ۲۰۳ .

۳- ابوحنیفه دینوری ، الاخبار الطوال ، تحقیق ، عبدالمنعم عامر ، جمال الدین میثال ، ص ۳۸۷ .

۴- بگفته صولی ، " بنی فرات گروهی از بزرگترین و فاضل ترین مردم بودند و این ابوالحسن علی بن الفران از بزرگان و اهل کرم و فضل بود . و سه بار در زمان مقتدر به وزارت دست یافت . (ابن الطقطقی ص ۲۶۵) .

۵- ابن الطقطقی ، پیشین ، ص ۲۶۵ .

۶- ابوالحسن صابی ، تحفه الامراء فی تاریخ الوزراء ، چاپ آمدروز ، بیروت

۱۹۵۴ م ، صص ۱۱۷ و ۱۲۳ و ۱۳۴ و ۱۳۹ .

۷- ابن المعتز ، دیوان ، ج ۱ ص ۱۳۱ .

و ویل من مات ابوه موسرا
وضال فی دار البلاء سجنه
فقال: جیرانی ومن یعرفنی
واسرفوا فی لکمه و دفعه
ولم یزل فی اضیق الحبوس
الیس هذا متکما مشهرا
وقیل من یدری بانک ابنه
فنتفوا سباله حتی قنسی
وانطقت اکفهم فی صفعه
حتی رمی لهم بالکیس

یکی دیگر از این وزیران ، محمد بن عبدالله خاقانی است. وی مردی کوتاه فکر و عامی و به خاطر نادانی و سفاهتش ملعبه و مضحکه دست کسان بود. (۱) بسرعت عزل و نصب می کرد چنانکه برای یک شغل چند نفر را پی در پی منصوب کرد. (۲) زیرا از هر کدام رشوه‌ی بی گرفته بود. (۳) و بنا بر روایت عربی بن سعد :

" خاقانی در مدت یازده روز یازده بار عامل " بادوریا " را عوض کرد. (۴) "

دیگر حامد بن عباس است که بسال ۳۵۶ هـ در سن هشتاد سالگی به وزارت رسید اما ، از امور اداری اطلاعی نداشت. (۵) و علی بن عیسی را به

۱ - ابوالحسن صابی ، پیشین ، ۲۶۳ و ۲۷۶ .

۲ - ابن الطقطقی ، پیشین ، ص ۲۶۷ .

۳ - بگفته مولف الفخری ، شاعری در این باره گفت :

وزیر لایمل من الرقاعه
و یخنی من تعجن منه مال
و یبعد من توسل بالشفاعه
فاخطی القوم او ضرهم بضاعه
یولی ثم یعزل بعد ساعه

(ابن الطقطقی ، پیشین ، ص ۲۶۷) .

۴ - عربی بن سعد بن قرطبی ، صله تاریخ الطبری ، چاپ دخویه ، لیدن ، ۱۸۹۷ ص ۳۹ .

۵ - ابن الطقطقی ، پیشین ، ص ۲۶۸ .

نیابت خود برگزیده بود از این رو ملعبه شاعران بود. (۱)
و شاعری دیگر در باره وی گفت :

اعجب من کل ما راینما ان وزیرین فی بلاد
هذا سواد بلا وزیر و ذا وزیر بلا سواد

دیگر از وزرای قرن چهارم ابوالعباس خصیبی است که در تمام دوران وزارتش شبانه روز مست بود. بگفته ابن مسکویه: خصیبی در هشیاری نیز خمار بود و حالی برای کار نداشت و امور مهم را به دیوانها و گذار کرده بود و فقط فهرست کوتاهی از نامه‌های خیلی مهم را بررسی می‌کرد و دیگر کارها را به ابوالفرج اسرائیل نصرانی سپرده بود که به سلیقه خود دست‌نخور می‌داد و خصیبی مشغول می‌گساری و تفریح بود و متهورانان اموال مردم را مصادره می‌کرد. (۲) با توجه به آنچه گذشت در می‌یابیم که تنها صفت مشترک وزراء قرن سوم و چهارم هجری که حساس ترین دوره، خلافت عباسی است، همان خیانت کاری و تاراج بیت المال و مصادره

۱- یاقوت حموی، معجم الادباء، مصر، ۱۳۵۵، ج ۵ ص ۳۲۵، بگفته ابن الطقطقی: " چون مقتدر به نادانی حامد بن عباس و عجم آگاهیش بر عدم امور وزارت، اطلاع یافت، علی بن عیسی بن الجراح را از زندان آزاد کرد و به عنوان نایب حامد برگماشت. (ابن الطقطقی پیشین، ص ۲۶۸).

۲- ابن الطقطقی، پیشین، ص ۲۶۹. شاعری دیگر گفت :

قل لابن عیسی قوله یرضی بها ابن مجاهد
انت الوزیر و انما سخروا بلحیه حامد
جعلوه عندک ستره لصلاح امر فاسد
مهما شککت فقل له کم واحدا فی واحد

(همان، پیشین، ص ۲۶۹) .

۳- ابوعلی ابن مسکویه، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تصحیح ه. ق. .
آمد روز، مصر، ۱۹۱۵ م، ج ۵ ص ۲۴۴ - ۲۴۷ .

اموال مردم ستمدیده بود. با این حال زندگی بیشتر وزیران همواره در دغدغه و پریشانی می گذشت زیرا نه فقط خلفاء آنان را مصادره می کردند بلکه لشکریان خصوصا سپاهیان ترک مکرر می شوریدند و اموال آنها را غارت می کردند و به جای مستمری و ارزاق و مواجب خویش - که معمولاً به سبب تناول خلفاء و وزراء به تاخیر می افتاد - بر می داشتند بدین گونه چون خزانه و بیت المال و اموال وزیران همواره عرصه ، تجاوز و تناول خلیفه و کارگزاران بود، هیچ چیز نمی توانست شکمهای گرسنه و آزمند لشکریان را - که بیشترشان غلامان حریص ترک بودند - سیرنگه دارد. در چنین اوضاعی هر امیری که سپاهیان را راضی می کرد، می توانست آنان را مانند حربه بی قاطع بر ضد دستگاه خلافت به کار اندازد و قدرت خلیفه و دولتمردانش را محدود کند. (۱)

حاصل این آشفتگی در دارالخلافه این بود که امیرانی در نواحی دور دستی نظیر خراسان ، ماوراء النهر ، شمال افریقا و... قدرت یابند و با ایجاد نظم و امنیت توجه و رضایت عامه را جلب کنند و داعیه دار استقلال شوند و از پشتیبانی مردم برخوردار گردند. همچنین گروهی از اقطاع داران (۲) نیز درحوزه ، ولایت خویش در نتیجه ، ضعف بنیسه ،

۱- چنانکه امیرالامر ایانی نظیر ابن رائق، بجکم، توزون و ابن شیرزاد چنینس کردند.

۲- در دوره ضعف و انحطاط خلافت عباسی ، بعضی از خلفاء ولایت یکیا چند ناحیه را به یکی از خاصان و نزدیکان درگاه می سپردند تا در مقابل آن مبلغی معین بپردازد که این روش را اقطاع می گفتند. درباره اقطاع و اقطاع داران و تحولات آن در تمدن اسلامی نک : ابوالحسن ماوردی ، الاحکام السلطانیه ، قاهره ، ۱۲۹۸ ، ص ۱۷۵ - ۱۶۸ ، احمد بن علی ، قلقشندی ، صبح الانشاء ، قاهره ، ۱۹۶۳ م ، ج ۱۳ ، تقی الدین احمد بن علی المقریزی ، خطط المقریزیه ، قاهره ، ۱۹۲۷ - ۱۹۱۱ ، ج ۲ ، ا.ک.س. - لمتون ، مالک و زارع ، ترجمه منوچهر امیری تهران ، ۱۳۳۹ ص ۱۶۲ - ۱۲۵ .

مالی و سیاسی دستگاه خلافت ، قدرت واقعی را به دست گیرند و به بهانه ، پرداخت مواجب و مستمری لشکریان مقیم در حوزه ۶ ولایت خود ، ولی در واقع با هدف کسب پشتیبانی و حمایت سپاه خود، از ارسال مالیات به دارالخلافه سرباز زنند و به تدریج داعیه استقلال یابند. خصوصا در ولایاتی که از مرکز خلافت دور بود. اقطاع داران آسان تر می توانستند از فرمان خلیفه گردن کشند زیرا :

اولا خود را از سخط و انتقام خلیفه در امان می دیدند.

ثانیا دستگاه خلافت را فاقد آن مایه توان مالی می دیدند که

بتواند سپاه قدرتمندی به دفع آنان گسل کند.

بنابراین در عهد خلافت راضی (۲۲۳ - ۲۲۲ هـ) از امپراتوری پهناور عباسی جز بغداد و حوالی آن چیزی برای خلیفه باقی نمانده بود (۱) و دیگر نواحی میان امیران قدرتمند و اقطاع داران بزرگی که داعیه دار استقلال بودند ، تقسیم گردید. در این شرایط خلفای ناتوان عباسی که چاره ای جز به رسمیت شناختن مدعیان استقلال و اقتسدار نداشتند تنها با اعطای القاب و عناوین پرطننه که روز به روز مفصلتر و عجیبتر می شد، (۲) موجودیت سیاسی آنان را تائید می کردند. ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی (متوفی ۳۸۳) در این باره گوید:

" این چه حال است که بنی عباس را می بینم ، گوئی در لقسب

بخشیدن را گشوده اند و کسانی را به لقب سرفراز می کنند که اگر خلفای پیشین سر از گور بردارند آنان را به درباری نیز نمی گمارند. گویی که

۱ - ابن اثیر ، پیشین ، ج ۸ ص ۲۲ - ۲۲۳ .

۲ - ابوعلی حسن بن علی نظام الملک ، سیاستنامه ، باهتمام ، سید -

عبدالکریم خلخالی ، ۱۳۶۹ ، ۱۱۵ - ۱۰۷ .

خلیفه پولهایش تمام شده و به جای آن لقب تقسیم می‌کند. (۱)

باری از قرن چهارم هجری به بعد برخورد انفعالی خلفا بدانجا رسید که در هر ولایت اگر امیری یا صاحب قدرتی نفوذی می‌یافت و به نیروی خود در آنجا استیلائی به هم می‌رسانید، خلیفه از ناچاری امارت او را تصدیق و تائید می‌کرد و برای او فرمان و خلعت می‌فرستاد و فقط با او شرط می‌کرد که در رعایت حقوق و اقامه حدود اهتمام کند و در امور دینی و مذهبی قول و فرمان خلیفه را معتبر بشناسد، چنانکه امارت بیشتر سلسله‌های مهم ایرانی از صفاریان تا زمان انحطاط و انقراض کامل خلافت عباسی (۶۵۶ هـ) این چنین بود. (۱)

تعدد ولایت‌عدهی

مساله ولایت‌عدهی و تعیین جانشینان متعددیکی از عوامل بروز اختلاف و ستیز در خاندان عباسی بود. زیرا اقدام بعضی از خلفای عباسی به تعیین دو یا سه جانشین اختلافات بزرگ و درگیریهای خطرناکی به وجود آورد که دستاویز مناسبی برای مدعیان قدرت بود و زمینسه جنگهای خانمانسوز داخلی را فراهم کرد. سابقه این کار به زمان مروان بن حکم باز می‌گردد و برای اولین بار فرزندانش عبدالملک و عبدالعزیز را به ترتیب به جانشینی برگزید. (۳) بدنبال او عبدالملک نیز فرزندش ولید (خلافت = ۹۶ - ۸۶ هـ) و سلیمان (خلافت = ۹۹ - ۹۶) را بسه

۱- ابو منصور، عبدالملک الثعالبی، یتیمه الدهر، ج چهارم، قاهره، بی تا، ص ۱۴۵.

۲- برای مثال (ببنا، تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، موسسه خاور، ۱۳۱۴ ش، ص ۲۳۱ و ۲۴۶) بن‌اثیر پیشین، ج ۷ ص ۳۲۵.

۳- ابن واضح یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج دوم، بیروت، دار صادر، ص ۲۵۷.

ولیعهدی گماشت . (۱) این اقدام موجب اختلاف و درگیری درخاندان اموی گردید و در سقوط و فروپاشی دولت آنان تاثیر بسیار داشت . اینهمه این سیاست نادرست را عباسیان نیز دنبال کردند. چنانکه سفاح ابتدا منصور و پس از او عیسی بن موسی را به جانشینی برگزید، اما منصور به این وصیت عمل نکرد و عیسی بن موسی را از ولیعهدی اول خلع نمود و فرزندش مهدی را به جای وی گماشت و عیسی بن موسی را به عنوان ولیعهد دوم (۲) معرفی کرد. و چون مهدی به خلافت رسید (۱۶۹ - ۱۵۸ هـ) عیسی را از ولیعهدی برکنار کرد (۳) و فرزندانش هادی (خلافت = ۱۶۹ - ۱۷۰ هـ) و هارون (خلافت = ۱۷۰ - ۱۹۳ هـ) را به ترتیب به جانشینی تعیین کرد. (۴) هادی نیز بر آن بود که هارون را از ولیعهدی خلع و فرزند خردسالش را به جای او بگمارد. گروهی از درباریان نیز وی را بدین کار ترغیب کردند. (۵) در حالیکه گروهی دیگر وی را از این کار خطرناک برحذر داشتند. (۶) اما هادی همچنان برخلع هارون اصرار می‌ورزید تا آنکه جان خویش را بر سر این کار نهاد (۷) اوج این بحران در

۱ - همان ، پیشین ، ج ۲ ص ۲۸۰ - ۲۷۹ .

۲ - ابن الطقطقی ، پیشین ، ص ۱۷۲ .

۳ - بگفته بعضی از مورخان، مهدی ولیعهدی را به قیمت ده هزار درهم از موسی بن عیسی خریداری کرد. (ابن واضح یعقوبی، پیشین، ج ۲ ص ۳۹۵

قس : ابن اثیر ، پیشین ، ج ۶ ص ۴۵ - ۴۴ .

۴ - ابن اثیر ، پیشین ، ج ۶ ص ۴۵ - ۳۴ .

۵ - ابن واضح یعقوبی ، پیشین ، ج ۲ ص ۴۰۵ .

۶ - ابن اثیر، پیشین ، ج ۶ ص ۹۶ .

۷ - بنا بر بعضی روایات خیزران مادر هادی و هارون که تمایل بیشتری به هارون داشت ، چون اصرار هادی برخلع هارون را دید، آهنگ قتل او کرد . (ابن اثیر، پیشین، ج ۶ ص ۹۹-۱۰۰، ابن الطقطقی، پیشین، ص ۱۹۱).

زمان خلافت هارون الرشید بود زیرا وی برای آنکه خلافت عباسی را از شر مدعیان و مخالفان نجات بخشد، بسال ۱۷۵ محمد- امین - (۱) و بسال ۱۸۳ عبدالله - مامون - (۲) و در ۱۸۹ قاسم را به ترتیب به جانشینی برگزید. و بزرگان عرب را بر این پیمان به گواهی گرفت و پیمان نامه آنرا بر دیوار کعبه ببایوخت و فرزندانش را به حفظ دوستی و پابندی به آن سوگند داد. (۳) و چون هارون الرشید بسال ۱۹۳ هـ در طسوس در گذشت، مامون بنا بر وصیت پدر از بزرگان و امرا، خراسان به نام امین بیعت گرفت. بدین ترتیب در آغاز تصور می شد که اتحاد و دوستی میان برادران ادامه می یابد اما دیری نپائید که بسال ۱۹۵ هـ امین مامون را از ولیعهدی عزل کرد و آتش اختلاف و دشمنی را برافروخت چنانکه مامون نیز به توصیه، فضل بن سهل نام امین را از خطبه حذف کرد و مدعی خلافت گردید. (۴)

مامون شخصیتی فعال، آزاد فکر و مورد علاقه مردم بود و کسان از هر سوی زبان به ستایش او گشوده بودند. (۵) بعلاوه افراد قدرتمند و بانفوذی چون خاندان سهل از وی حمایت می کردند. از این رو کسارش بسرعت بالا گرفت و با آنکه در جبهه دیگری در گیر پیکار با رافع بن

۱- ابن واضح یعقوبی، پیشین، ج ۲ ص ۴۰۸.

۲- همان، ج ۲ ص ۳۱۵.

۳- یعقوبی متن کامل ابن پیمان نامه را آورده است. ابن واضح یعقوبی، پیشین، ج ۲ ص ۴۱۶ به بعد.

۴- ابن الطقطقی، پیشین، ص ۲۱۳.

۵- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج سوم، بیروت، ۱۴۰۹ ق /

۱۹۸۹ م، ص ۷۷۸ - ۷۷۲.

لیث بود (۱)، لشکری به فرماندهی طاهر بن حسین برای مبارزه با سپاه امین گسیل کرد. طاهر در شوال ۱۹۵ هـ در دشت ری سپاه امین بسپاه فرماندهی علی بن عیسی بن ماهان را به سختی منکوب (۲) و برای مقابله با عبدالرحمن بن حبه - یکی دیگر از سرداران امین - آهنگ همدان کرد و در کنار آن شهر روی را به سختی شکست داد و به جانب حلوان و خانقین پیش ناخت و از راه بصره به بغداد رفت. (۳) و آن شهر را بسال ۱۹۸ هـ با کمک سپاه هرثمه بن اعین - دیگر سردار مامون - به محاصره درآورد. (۴)

در نتیجه این محاصره دزدان و راهزنان شهر را به بادغارت و چپاول دادند و زنان و کودکان را به تباهی کشیدند. در چنین اوضاع ملالت باری امین یکسره در بند بازی و شوخی و مستی و هرزگی خویش بود. (۵) از

۱ - ابوعلی بلعمی، تاریخنامه طبری، تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲ - طاهر خبر فتح را بدین گونه برای مامون فرستاد: "بسم الله الرحمن الرحیم، کتابی، الی امیر المومنین و راس علی بن عیسی بین یدی و خاتمه فی اصبعی و جنده مصرفون تحت امری والسلام" (ابن اثیر، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۵).

۳ - ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، معادن الجواهر، ج چهارم، دارالمعرفه، بیروت، ص ۴۲۹.

۴ - ابوعلی بلعمی، پیشین، ج ۲، ۱۲۲۸ - ۱۲۲۲، گردیزی، ابوسعید، عبدالحی بن ضحاک بن محمود، زین الاخبار، بامقدمه میرزا محمد خان فزینی، تهران، ۱۳۲۷، ص ۲۹۴.

۵ - به گفته مولف الفخری: (خبر شکست و کشته شدن علی بن عیسی هنگامی به امین رسید که وی مشغول صید ماهی بود و چون از این واقعه آگاه شد بسپاه فرستاده گفت: اکنون مرا به حال خودیگذار که کوثر - خادم امین - دوماهی صید کرده است و من تاکنون هیچ صید نکرده‌ام. (ابن الطقطقی، پیشین، ص ۲۱۴).

از این رو یاران وی بیش از مهاجمان به مردم بغداد زیان رسانیدند. به گفته طبری :

"طاهر خانه‌های مخالفان را ویران کرد. بسا می شد که کسان طاهر خانه‌ای را ویران می کردند و می گذشتند و یاران امین در و بام آنرا می ربودند و مانند مهاجمان به مردم بغداد زیان می زدند. (۲) درحالیکه طاهر در مقابل به سپاه خود فرمان داد که با مردان و زنان ناتوان نیکی کنند که در نتیجه گروه بسیاری از یاران امین به سپاه طاهر پیوستند.^(۲) سرانجام مردم بغداد پس از دو سال و چند ماه محاصره تسلیم شدند و از طاهر زهار خواستند و امین که از طاهر ایمن نبود، لباس خلافت بر تن کرد و بر زورقی سوار شد تا به هرثمه بن اعین پناه برد. اما یاران طاهر از ساحل دجله زورق را با سنگ و تیر بکوفتند و بر او هجوم بردند و خونس را بریختند و سر او را با برد و عصا و شمشیر خلافت نزد مامون فرستادند. (۳)

بدینگونه در نتیجه سیاست سوء تعیین جانشینان متعدد درگیری و اختلافی به وجود آمد که منجر به کشته شدن خلیفه و فرو ریختن قداست این مقام گردید (۴).

بعلاوه این درگیری بزرگ و سرنوشت ساز زمینه مناسبی برای قدرت نمایی ایرانیان و در راسشان طاهر بن حسین ذوالیمینین بود. طاهر که موسس سلسله طاهریان است در واقع احیاگر استقلال ایران از

۱ - ابن جریر طبری ، پیشین ، ج ۳ ص ۸۸۲ .

۲ - محمد بن عیسی سالارنگهبانان بغداد و عبدالله بن حمید بن قحطبه و یحیی بن علی بن عیسی بن ماهان از آنجمله اند (ابوعلی بلعمی ، پیشین ، ج ۱ ص ۱۲۲۲) .

۳ - ابوالحسن مسعودی ، پیشین ، ج ۴ ص ۴۴۹ - ۴۴۸ ، عبدالحی گردیزی پیشین ، ص ۲۹۵ .

۴ - بی نا ، تاریخ سیستان ، پیشین ، ص ۱۷۷ - ۱۷۹ .

حکایت از آن دارد که آنان خلیفه رامسئول مرگ ناگهانی سردار خویش می شمرده‌اند. لذا بی جهت نیست که مامون امارت خراسان را با وجود ناراضائی از ظاهر به‌فرزندان وی سپرد.

و بعضی نیز گفته‌اند بر اثر تب و حرارت شدید درگذشت. (۱)
 بدین ترتیب ظاهر از ثمره کار خویش بی بهره ماند، اما فکر و اندیشه استقلال را پدیدآورد و دیری نپائید که نهالی که وی کاشته بود به ثمر نشست و حکومت‌های مستقل شرقی به وجود آمدند.
 سیاست سوء تعیین جانشینان متعدد در زمان متوکل نیز مشکلات بسیاری به دنبال داشت وی برای جلوگیری از خوی تجاوزگری ترکان سه تن از پسرانش به نام‌های منتصر، معتز و موید را به ترتیب به ولیعهدی تعیین کرد، اما پس از مدتی از منتصر برنجید و در صدرآمد معتز را بر وی مقدم کند از این رو منتصر به همراهی ترکان ناراضی بر قتل پدر توطئه کرد. قتل متوکل دستگاه خلافت را به هرج و مرج کشانید تا جایشکه پس از آن خلع و کشتن خلفا عباسی به دست ترکان یا دیگر گروه‌های مسلط بر دستگاه خلافت عباسی موضوعی عادی بود و مدعیان قدرت و مخالفان دولت عباسی در نتیجهء ضعف و سستی خلفا از گوشه و کنار امپراتوری اسلامی سربرآوردند. بدین ترتیب تعدد ولیعهد نه تنها نقشی در استحکام قدرت خلفای عباسی نداشت که یکی از عوامل مهم ضعف و سستی و تجزیه قدرت آنان بود.

تجمل و خوشگذرانی دولتمردان

بدون شک یکی از عوامل موثر در فروپاشی و سقوط حکومتها، انهماک دولتمردان در لذات است. زیرا افراط در عیاشی و پرداختن به لهو و لعب از یک سو ثروت و دارایی حکومت را بر باد می دهد و از دیگر

سو کارگزاران و دولتمردان را از پرداختن به امور مهم دولت باز می‌دارد. با مطالعه تاریخ عباسیان بدین نتیجه می‌رسیم که سفاک و منصور تمام - وقت خود را صرف استوار کردن پایه‌های اقتدار خلافت نمودند. شاید وجود دشمنان و مدعیان فراوان دیگر مجال و فرصتی برای پرداختن به لهو و شوخی بدانان نمی‌داد. لیکن پس از آنکه خلافت عباسی استوار گردید، و خطر مدعیان برطرف شد و خزانه دولت در نتیجه ماسعی و خسته‌های منصور آبادان گشت (۱) اخلاف او به عیش و عشرت روی آوردند چنانکه مهدی خنیاگران و رامشگران را به مجلس خویش فراخواند و تجمل و تکلف و لباسهای فاخر و طعامهای رنگین و فراوان را ترتیب داد. بدین ترتیب توجه به لهو و لعب با خلافت مهدی آغاز شد و دیگر دولتمردان و کارگزاران وحتى عامه مردم که چنین دیدند خود را به آغوش لذت جویی و عشرت طلبی انداختند تا آنکه در دوران هارون که عصر افسانه‌های خیال انگیز هزار و یک شب و روزگار لذتهای بی پایان بود، باده‌گساری و هرزگی و شوخی و طرب به اوج رسید. زیرا ثروت فراوان و سرشار هارون و علاقه وافر و ذوق خاص او به تجمل و لهو و لعب نه تنها دربار خلفا که خانه بیشتر وزیران و امیران و توانگران را نیز عشرتکده ساخته بود. پس از هارون، فرزندش امین نیز تمام همسخت و کوشش خود را صرف تفریح و باده‌گساری و شادبازی و شوخی و هرزگی کرد و مال بسیاری در این راه برباد داد. بگفته مورخان وی انواع جانوران درنده و پرنده فراهم آورد و ساعتها از وقت خود را صرف بازی و تماشای آنها می‌کرد. و از وزیران و اسیران لشکر که مسائل مهم مملکت را به استحضارش می‌رساندند، دوری می‌گزید. همچنان که قایقهای بسیاری به صورت فیل و مار و اسب و عقاب و شیر و ... فراهم کرد و بر دجله انداخت تا مردم بدانها مشغول شوند. (۲) استغراق امین در لذت جویی

۱ - جرجی زیدان، ج ۳، ص ۱۰۱.

۲ - ابن‌اثیر، پیشین، ج ۶ ص ۲۹۴.

و کامرانی چنان بود که به هنگام درگیری خونیش با مامون ، و برغم آنکه بغداد بیش از دو سال در محاصره خفت‌بار بود، هیچگاه از خوشیها و بازیهای خود پروانگرد تا آنکه جان بر سر این کار نهاد. (۱)

معتمد و متوکل نیز همچنان اوقات خود را صرف عیش و طرب می‌کردند چنانکه مجالس متوکل در فسق و تباهی و بی‌بندوباری غرق بود. (۲) و هیچکس در آن مجالس به دین و دینداری نمی‌اندیشید. این راه پرخرج و پرخطر را دیگر خلفاء عباسی نیز دنبال کردند. بی‌تردید این مایه عیاشی و خوشگذرانی نیاز به مال و ثروت فراوان دارد و چون خلفای اول عباسی از ثروت و مکننت بسیار برخوردار بودند، از این بابت کمتر دچار مشکل بودند. اما از اواسط قرن سوم هجری که قلمرو عظیم عباسی دچار تجزیه گردید و عواید فراوان آن بشدت کاهش یافت و خزانه‌ها ، ضعیف دستخوش غارت و چپاول خلفاء و سرداران‌ترک شد و عواید املاک اقطاعی نیز قطع گردید ، خلفای عباسی که در عیاشی و کامرانی مستغرق بودند ، برای تامین مخارج هنگفت این کار خانمانسوز مناصب دولتی و لشکری را در معرض فروش گذاشتند و بدین ترتیب برای ارضاء هواهای نفسانی خود ، اقتدار و عظمت دیرینه آل عباس را بر باد دادند.

۱ - ابن الطقطقی ، پیشین ، ۲۱۴ - ۲۱۲ .

۲ - ابن اثیر در باره مجالس عیش و بزم متوکل که معمولاً به قصداستهزاء آل علی (ع) صورت می‌گرفت نمونه‌هایی را آورده است (همان ، پیشین ج ۷ ص ۵۵ - ۵۶) .

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ابن اثیر ، عزالدین بن الحسن ، علی بن ابی‌الکرم ، الکامل فی التاریخ ، بیروت ، دارصادر ، دار بیروت ، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م .
- ۲- ابن الطقطقی ، محمد بن علی بن طباطبا ، الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة ، مصر ، ۱۳۴۰ ق .
- ۳- ابن مسکویه ، ابوعلی احمد بن محمد ، تجارب الامم و تعاقب الهمم ، تصحیح ، ه ، آمدروز ، مصر ، ۱۹۱۵ م .
- ۴- ابن طیفور ، بغداد فی تاریخ الخلافة العباسیة ، بیروت ، ۱۳۸۸ .
- ۵- بلعمی ، ابوعلی ، تاریخنامه طبری ، منسوب به بلعمی ، تصحیح محمد روشن ، چاپ دوم ، تهران نشرنو ، ۱۳۶۸ .
- ۶- بیهقی ، ابوالفضل ، تاریخ بیهقی ، تصحیح دکترغنی و دکتر فیاض ، تهران ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۰ .
- ۷- تاریخ سیستان ، تالیف در حدود ۴۴۵ - ۲۲۵ هـ . ق ، تصحیح ، ملک الشعراء بهار ، تهران ، موسسه خاور ، ۱۳۱۴ .
- ۸- الثعالبی ، ابومنصور عبدالملک ، یتیمه الدهر ، قاهره ، ۱۳۵۳ هـ / ۱۹۳۴ م .
- ۹- جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهرکلام ، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۷ .
- ۱۰- حموی ، یاقوت ، معجم الادباء ، مصر ، ۱۳۵۵ .
- ۱۱- دینوری ، ابوحنیفه احمد بن داود ، الاخبار الطوال ، تحقیق عبدالمنعم عامر ، جمال الدین الشیال .
- ۱۲- صابی ، ابوالحسن هلال بن محسن بن ابراهیم ، تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء ، چاپ آمد روز ، بیروت ، ۱۹۰۴ م .
- ۱۳- طبری ، محمد بن جریر ، تاریخ الطبری ، بیروت ، موسسه الاعلمی للمطبوعات ، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م .

- ۱۴- قرطبی ، عریب بن سعد ، صلة تاریخ الطبری ، چاپ دخویه، لیدن ، ۱۸۹۷ م .
- ۱۵- قلقشندی ، ابوالعباس احمد ، صبح الاعشى فی صناعة الانشاء ، قاهره ۱۹۶۳ م .
- ۱۶- گردیزی ، ابوسعید ، عبدالحی بن الضحاک بن محمود، زین الاخبار ، تهران ، ۱۳۲۷ هـ .
- ۱۷- ماوردی ، ابوالحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیه ، قاهره ، ۱۲۹۸ هـ .
- ۱۸- مسعودی ، ابوالحسن علی بن حسین ، مروج الذهب و معاون الجواهر، دارالمعرفه ، بیروت .
- ۱۹- مقریزی ، تقی الدین احمد بن علی ، خطط المقریزیه ، قاهره ، ۱۹۱۱ م .
- ۲۰- لمبتون ، ا.ک. س ، مالک و زارع ، ترجمه منوچهرامیری، تهران ، ۱۳۲۹ .
- ۲۱- نظام الملک ، ابوعلی ، سیاست نامه ، باهتمام عباس اقبسال ، انتشارات اساطیری ، چاپ دوم ، ۱۳۶۹ .
- ۲۲- یعقوبی ، احمد بن واضح ، تاریخ الیعقوبی ، بیروت ، دارصادر.